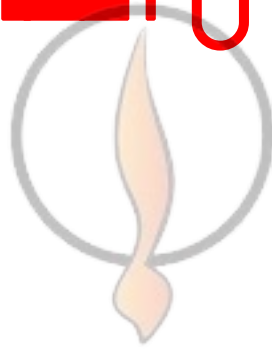


قانون اساسی افغانستان-۱۳۶۳



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

توشیح پادشاه افغانستان

ماالمتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان مسوده قانون جدید افغانستان را که از طرف لوی جرگه‌ای که از هجری شمسی در شهر کابل انعقاد یافت، تصویب گردیده به نام خداوند بزرگ توشیح می‌کنیم و سر از امروز آن را بحیث قانون اساسی افغانستان در تمام نقاط دولت نافذ اعلام می‌نماییم. سر از امروز قانون اساسی را که از طرف لوی جرگه سال ۱۳۰۹ هجری شمسی تصویب گردیده و تاکنون در کشور نافذ بود با تمام ضمایم آن ملغی اعلام می‌داریم.

قصر گل خانه

۹ میزان ۱۳۴۳

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۲

به نام خداوند توانا و دادگر

به منظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات زمان عصر و بر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگ ملی. به منظور تأمین عدالت و مساوات. به منظور تطبیق دموکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. به منظور تنظیم شؤون و ارکان دولت، برای تأمین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم عمومی. به منظور انکشاف متوازن تمام امور تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ کرامت انسانی، ما مردم افغانستان با درک تحولات تاریخی که در زندگانی ما بحیث یک ملت و یک جزء جامعه بشر به وقوع پیوسته، در حالی که ارزشهای فوق را حق همه جوامع بشری می‌دانیم، به قیادت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه، پیشوای زندگانی ملی افغانستان این قانون اساسی را برای خود و نسلهای آینده وضع کردیم.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۲

فصل اول: دولت

ماده اول: افغانستان دولت پادشاهی مشروطه، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه است. حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند. بر هر فرد از افراد مذکور کلمه افغان اطلاق می شود.

ماده دوم: دین افغانستان دین مقدس اسلام است. شعار دینی از طرف دولت مطابق به احکام مذهب حنفی اجراء می گردد. آن افراد ملت که پیروان دین اسلام نیستند در اجرای مراسم مذهبی خود درد داخل حدودی که قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین می کند آزاد می باشند.

ماده سوم: از جمله زبانهای افغانستان، پشتون و دری زبانهای رسمی می باشد.

ماده چهارم: بیرق افغانستان مرکب است از سه قطعه رنگهای سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی به اندازه های مساوی از چپ به راست در کنار هم واقع شده، عرض مقدار هر رنگ معادل نصف طول آن است. در وسط نشان محراب و منبر به رنگ سفید جا دارد که در گوشه آن دو بیرق نصب و از هر دو طرف ره دو خوشه گندم احاطه شده است.

ماده پنجم: پایتخت افغانستان شهر کابل است.

فصل دوم: پادشاه

ماده ششم: در افغانستان پادشاه حاکمیت ملی را تمثیل می کند.

ماده هفتم: پادشاه حامی اساسات دین مقدس اسلام، حفظ استقلال و تمامیت ساحه، نگهبان قانون اساسی و مرکز وحدت ملی افغانستان است.

ماده هشتم: پادشاه باید از تبعه افغانستان، مسلمان و پیر و مذهب حنفی باشد.

ماده نهم: پادشاه دارای حقوق و وظایف آتی می باشد:



۱- قیادت اردوی و متارکه.

۲- اعلان حرب و افتتاح لوی جرگه.

۳- دایر کردن و افتتاح لوی جرگه.

۴- افتتاح اجلاس عادی شورا.

۵- دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورا. بنیاد اندیشه ۱۳۹۲

۶- منحل ساختن شورا و اصدار فرمان انتخابات مجدد.

انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه از تاریخ انحلال

شورا انجام می یابد.

۷- توشیح قوانین و اعلام انفاذ آنها.

۸- اصدار فرامین تقنینی.

۹- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول

مطابق احکام قانون.

۱۰- توشیح معاهدات بین الدول.

۱۱- تعیین صدر اعظم و قبول استعفای او، تعیین وزرا به پیشنهاد صدر اعظم و قبول استعفای آنها.

۱۲- تعیین اعضای غیر انتخابی مشرانو جرگه و تعیین رئیس

جرگه مذکور از جمله اعضای آن.

۱۳- تعیین قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه.

۱۴- تعیین و تقاعد قضاات و تعیین و تقاعد مأمورین و صاحب منصبان عالی رتبه مطابق به احکام قانون.

۱۵- تعیین سران نمایندگیهای سیاسی افغانستان نزد دول خارجی، تعیین نمایندگان افغانستان نزد مؤسسات بین الملل و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی.

۱۶- اعلام حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن.

۱۷- تخفیف و عفو مجازات.

ماده دهم: سکه بنام پادشاه ضرب زده می شود.

ماده یازدهم: در خطبه ها نام پادشاه ذکر می گردد.

ماده دوازدهم: نشان از طرف پادشاه مطابق به احکام قانون اعطاء می شود. اعطای نشان متضمن هیچ نوع امتیاز مادی نمی باشد.

ماده سیزدهم: مصارف پادشاهی در بودجه دولت مطابق به قانون مصارف پادشاهی تعیین می گردد.

ماه چهاردهم: استفاده صلاحیتهای مندرج این فصل در داخل حدودی صورت می گیرد که احکام این قانون اساسی تعیین نموده است.

ماده پانزدهم: پادشاه غیر مسؤول و واجب الاحترام است و با حضور اعضای خانواده پادشاهی، حکومت و اعضای ستره محکمه، در برابر جلسه مشترک هر دو جرگه شورا حلف آتی را بجا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای عظیم سوگند یاد می کنم که در کافه اعمال خود خداوند جل جلاله را حاضر دانسته، اساسات مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی را حراست، استقلال وطن، تمامیت ساحه، قوانین دولت و حقوق مردم را حفاظت کنم. با استعانت از بارگاه پروردگار بر طبق احکام قانون اساسی افغانستان پادشاهی نمایم و مساعی خود را در راه سعادت و ترقی ملت افغانستان بکار برم.

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۲

ماده شانزدهم: پادشاهی افغانستان در خانواده اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بر حسب احکام این قانون اساسی انتقال می نماید.

ماده هفدهم: هر گاه پادشاه اراده استعفا نماید به مجلسی مرکب از رئیس ولسی جرگه، مشرانو جرگه، صدر اعظم، قاضی القضاات و وزیر دربار به جرگه مذکور ابلاغ می نماید، در صورتی ه لوی جرگه تصدیق نماید که استعفا از اراده پادشاه نشأت نموده از تاریخ تصدیق آن استعفا پادشاه نافذ شمرده می شود.

ماده هیجدهم: در موقع استعفا یا وفات پادشاه، پادشاهی به پسر بزرگش انتقال می‌نماید. در صورتی که پسر بزرگ پادشاه واجد شرایط پادشاهی که در این قانون اساسی ذکر گردیده نباشد پادشاهی به پسر دوم او و همچنان الی آخر انتقال می‌کند.

ماده نوزدهم: هر گاه پادشاه وفات کند یا استعفا بدهد و پسری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد، پادشاهی به بزرگترین برادر پادشاه انتقال می‌نماید. در صورتی که بزرگترین برادر پادشاه واجد شرایط پادشاهی نباشد پادشاهی به برادری که از نظر سن میان برادران بلا فاصله بعد از او واقع باشد و همچنان الی آخر انتقال می‌نماید. در صورتی که پادشاه برادری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد، جانشین پادشاه از جمله بازماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید انتخاب می‌گردد. در این حالت انتخاب پادشاه توسط مجلس مرکب از لوی جرگه، حکومت، و اعضای ستره محکمه صورت می‌گیرد. این مجلس در صورت وفات در خلال مدت پانزده روز از تاریخ وفات و در صورت استعفا در خلال مدت هفت روز از تاریخ وفات و در صورت استعفا در خلال مدت هفت روز از تاریخ نفاذ آن از طرف صدر اعظم دایر می‌شود. تصمیم این مجلس با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد و بعد از موافقت شخصی که به حیث پادشاه انتخاب شده نافذ شمرده می‌شود. از تاریخ وفات پادشاه یا نفاذ استعفا یا انتخاب جانشین پادشاه، وزیر دربار نایب پادشاه شناخته می‌شود.

ماده بیستم: هنگامیکه پادشاه اراده سفر به خارج مملکت نماید یا یک چند نفر را به حیث وکیل خود تعیین می‌کند. شخص یا اشخاص مذکور در غیاب پادشاه بوکالت از او امور پادشاهی را در حدود صلاحیتی که از طرف پادشاه به او داد می‌شود بر طبق احکام این قانون اساسی اجرا می‌نماید.

اشخاص ذیل بحیث وکیل تعیین نمی‌شوند:

۱- صدر اعظم.

۲- رئیس ولسی جرگه.

۳- رئیس مشرانو جرگه.

ماده بیست و یکم: هر گاه پادشاه وفات کند و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد تا موقعی که سن مذکور را تکمیل کن ملکه نیابت پادشاه را به عهده می گیرد. در صورتی که ملکه وجود نداشته باشد مجلس که در ماده نوزدهم ذکر گردید شخصی را از جمله بازماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید به حیث نایب پادشاه انتخاب می کند.

ماده بیست و دوم: هر گاه پادشاه استعفا نماید و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد تا موقعی که سن مذکور را تکمیل کند، مجلسی که در ماده نوزدهم ذکر گردیده شخصی را از جمله بازماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید به حیث نایب پادشاه انتخاب می نماید.

ماده بیست و سوم: نایب پادشاه امور پادشاهی را بر طبق احکام این قانون اساسی اجراء می کند. در صورتی که ملکه نیابت پادشاه را به عهده داشته باشد از صلاحیت مندرج فقره دوم و ماده نهم به مشوره حکومت استفاده می کند.

نایب پادشاه نمی تواند در مدت تصدی این عهده به دیگر مشاغل اشتغال ورزد. شخصی که بر حسب احکام مواد بیست و یکم و بیست و دوم این قانون اساسی به صفت نایب پادشاه تعیین می گردد هیچ گاه به حیث پادشاه انتخاب نمی شود. در دوره نیابت پادشاهی مواد مربوط به جانشینی فصل پادشاه این قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده بیست و چهارم: پسر و دختر و برادر و خواهر پادشاه و ازواج و زوجات و بناتشان و عم و ابنای عم پادشاه خانواده شاهی را تشکیل می دهند. در تشریفات رسمی دولت خانواده شاهی بعد از پادشاه و ملکه اخذ موقع می نمایند.

مصارف خانواده شاهی در بودجه مصاف پادشاهی تعیین می شود. القاب مختص به خانواده پادشاهی می باشد و مطابق به احکام قانون تعیین می شود.

اعضای خانواده پادشاهی در احزاب سیاسی شمولیت نمی‌ورزند و وظایف آتی را اجرا نمی‌کند؛

۱- صدارت عظمی یا وزارت.

۲- عضویت شورا.

۳- عضویت ستره محکمه.

اعضای خانواده پادشاهی حیثیت خود را به صفت عضو خانواده پادشاهی مادام الحیات حفظ می‌کنند.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۲

فصل سوم: حقوق و وظایف اساسی مردم

ماده بیست و پنجم: تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون، حقوق و وظایف مساوی دارند.

ماده بیست و ششم: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می گردد حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. انفکاک نمی پذیرد. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ کس را نمی توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب قتل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

هیچ کس را نمی توان تعقیب یا گرفتار نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ کس را نمی توان توقیف نمود مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون.

برائت ذمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه محکوم علیه قرار بگیرد بی گناه شناخته می شود.

جرم یک امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا به او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

تعذیب انسان جواز ندارد، هیچ کس نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری اگر آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد. اظهاری که از متهم یا شخص دیگر به وسیله اکراه بدست آورده می‌شد اعتبار ندارد. اعتراف به جرم عبارت است از اعترافی که متهم به رضای کامل در حالت صحت عقل به ارتکاب جرمی که قانوناً به او نسبت داده شده در حضور محکمه با صلاحیت می‌نماید. هر شخص حق دارد برای دفع اتهامی که قانوناً به او متوجه شده وکیل مدافع تعیین کند.

مدیون بودن یک شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی مدیون شده نمی‌تواند. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می‌گیرد.

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه دولت خود سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است و همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و عودت کند.

هیچ افغان به تبعید در داخل افغانستان و خارج از افغانستان محکوم نمی‌شود.

ماده بیست و هفتم: هیچ افغان به علت اتهام به یک جرم به دولت خارجی سپرده نمی‌شود.

ماده بیست و هشتم: مسکن شخصی از تعرض مصون است. هیچ کس به شمول دولت نمی‌تواند بدون اجازه ساکن یا محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده به مسکن کس داخل شود، یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود مأمور مسؤول می‌تواند به مسکن شخصی بدون اجازه قبلی محکمه به مسؤولیت خود داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد دخول یا اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند فیصله محکمه را حاصل نماید.

ماده بیست و نهم: ملکیت شخص از تعرض مصون است. ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی‌شود. استملاک ملکیت شخص تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض قبلی و عادلانه به موجب قانون مجاز می‌باشد.

هیچ کس از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود مگر در حدود قانون طرز استملاک ملکیت به منظور تأمین منافع عامه توسط قانون تنظیم و رهنمونی می‌شود.

تفتیش و اعلان دارایی شخص تنها به حکم قانون صورت می‌گیرد. دول و اتباع خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری ندارند. فروش عقار به نمایندگیهای سیاسی دول خارجی بر اساس رویه بالمثل و به مؤسسات بین الملل ای که دولت افغانستان عضو آن باشد بعد از موافقه حکومت مجاز است.

ماده سی ام: آزادی و محرمت مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون و تلگراف و یا به اساس دیگر از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد مگر به موجب فیصله محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون. در حالات عاجل که در قانون تعریف می‌گردد مأمور مسؤول می‌تواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسؤولیت خود به تفتیش مخابرات اقدام کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین می‌کند فیصله محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و یکم: آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر یا امثال آن مطابق قانون اظهار کند.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به طبع و نشر مطالب بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد.

اجازه و امتیاز تأسیس مطابع عمومی و نشر مطبوعات تنها به اتباع دولت افغانستان مطابق به احکام قانون داده می‌شود.

تأسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص به دولت است.

ماده سی و دوم: اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی، معنوی مطابق احکام قانون جمعیتها تأسیس نماید. اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون احزاب سیاسی تشکیل دهند مشروط بر اینکه:

۱- هدف فعالیتهای حزب و مفکوره‌های که تشکیلات احزاب به روی آن بنا شده مناقض ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد.

۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد.

حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌یابد بدون موجبات قانونی و حکم ستره محکمه منحل نمی‌شود.

ماده سی و سوم: هر شخصی که از هر اداره بدون موجب متضرر می‌شود مستحق جبران خسارت می‌باشد و می‌تواند برای حصول آن در محکمه دعوی اقامه کند.

دولت نمی‌تواند به جز در حالاتی که قانون تصریح می‌کند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق اقدام کند.

بنیاد اندیشه

ماده سی و چهارم: تعلیم حق تمام افراد افغانستان است و به صورت مجانی از طرف دولت و اتباع افغانستان فراهم می‌شود هدف دولت در این ساحه رسیدن به مرحله ایست که در آن تسهیلات مناسب تعلیم و تربیه برای همه افراد افغانستان مطابق به احکام قانون فراهم گردد. دولت مکلف است برای تعلیم متوازن معارف در تمام افغانستان پروگرام مؤثری وضع و تطبیق نماید. رهنمونی و نظارت تعلیم و تربیه وظیفه دولت است.

تعلیمات ابتدایی برای تمام اطفال در نقاطی که وسایل آن از طرف دولت تهیه شده حتمی است.

تأسیس و اداره تعلیمات عالی و عمومی تنها حق و وظیفه دولت است در خارج این ساحه اتباع افغانستان حق دارند مکاتب اختصاصی و سواد آموزی تأسیس نمایند.

شروط تأسیس نصاب تعلیم و شرایط تحصیل در چنین مکاتب توسط قانون تنظیم می‌گردد حکومت می‌تواند مطابق به احکام قانون به اشخاص خارجی اجازه تأسیس مکاتب خصوص بدهد. از این مکاتب تنها اشخاص خارجی می‌توانند استفاده کنند.

ماده سی و پنجم: دولت موظف است پروگرام مؤثری برای انکشاف و تقویه زبان ملی پشتو وضع و تطبیق کند.

ماده سی و ششم: دولت موظف است در حدود توان خود وسایل وقایه از امراض و علاج آن را به صورت متوازن برای همه افغانها تهیه کند هدف دولت در این ساحه رسیدن به مرحله ایست که در آن تسهیلات صحی مناسب برای تمام افراد افغانستان فراهم گردد.

ماده سی و هفتم: کار حق و فریضه هر افغان است که قدرت اجرای آن را داشته باشد. هدف عمده قوانینی که برای تنظیم کار وضع می‌گردد رسیدن به مرحله ایست که در آن حقوق و منافع اصناف کارگران حمایت شود، شرایط مساعد کار فراهم گردد. روابط بین کارگران و کارفرمایان به صورت عادلانه و مترقی تنظیم یابد.

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می‌شود و انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطی که قانون تعیین می‌نماید آزاد می‌باشد.

تحمیل کار اجباری اگر چه برای دولت باشد جواز ندارد.

تحریم کار اجباری مانع تطبیق قوانین نمی‌شود که به منظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تأمین منافع عامه وضع می‌گردد.

ماده سی و هشتم: هر افغان مکلف است به دولت مالیه و محصول تادیه کند و هیچ نوع محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمی‌شود. اندازه مالیه و طرز تادیه آن با رعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین می‌گردد. این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق می‌شود.

ماده سی و نهم: دفاع از وطن وظیفه مقدس تمام اتباع افغانستان است. کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت عسکری مطابق به احکام قانون مکلف می باشند.

ماده چهلیم: پیروی از احکام قانون اساسی، وفا داری و احترام به شاه، اطاعت به قوانین، رعایت نظم و امن عامه، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی وظیفه تمام مردم افغانستان است.



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۲

فصل چهارم: شورا

ماده چهل و یکم: شورای افغانستان مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند. مردم افغانستان به توسط شورا در حیات سیاسی مملکت سهم می‌گیرند. هر عضو شورا در حالی که از یک حوزه معین انتخاب شده در موقع اظهار رأی مصالح عمومی افغانستان را مدار قضاوت خود قرار می‌دهد.

ماده چهل و دوم: شورا دارای دو مجلس می‌باشد: ولسی جرگه و مشرانو جرگه.

ماده چهل و سوم: اعضای ولسی جرگه توسط انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم مطابق به احکام قانون از طرف مردم انتخاب می‌شود. افغانستان به این منظور به حوزه‌های انتخابی تقسیم می‌گردد، تعداد ساحه‌ها، حوزه‌ها توسط قانون تعیین می‌شود، از هر حوزه یک نفر وکیل انتخاب می‌گردد. داوطلبی که در حوزه خود مطابق به احکام قانون رأی بیشتر حاصل می‌کند وکیل شناخته می‌شود.

ماده چهل و چهارم: اعضای ولسی جرگه برای مدت ۴ سال که یک دوره تقنینیه است انتخاب می‌شوند، هر گاه شورا مطابق با دوره تقنینیه انتخاب می‌گردد ولی تاریخ ختم طوری تنظیم می‌شود که جرگه ما بعد به تاریخی که در ماده پنجاه و نهم تثبیت گردیده افتتاح شود.

ماده چهل و پنجم: اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب می‌شوند.

۱- یک ثلث اعضا از جمله افراد خبیر و با تجربه برای مدت پنج سال از طرف پادشاه تعیین می‌شوند.

۲- دو ثلث دیگر اعضا بر حسب آتی انتخاب می‌شوند.

الف) هر جرگه ولایت یک نفر از جمله اعضای خود را برای مدت سه سال به عضویت مشرانو جرگه انتخاب می‌کنند.

ب) ساکنین هر ولايت يك نفر را از طريق انتخاب آزاد، عمومي، سري و مستقيم براي مدت چهار سال به عضويت مشرانو جرگه انتخاب مي‌کنند.

ماده چهل و ششم: شرايط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعيين مي‌گردد. اشخاصي که به عضويت شورا تعيين يا انتخاب مي‌شوند بايد علاوه بر تکميل شرايط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذيل باشند:

۱- اقلاً ده سال قبل از تاريخ تعيين يا انتخاب تابعيت دولت افغانستان را کسب کرده باشند.

۲- بعد از نفاذ اين قانون اساسي از طرف محکمه به حرمان از حقوق سياسي محکوم نشده باشند.

۳- خواندن و نوشتن بدانند.

۴- اعضای ولسی جرگه بايد سن بيست و پنج را در موقع انتخابات و اعضای مشرانو جرگه سن سي را در موقع تعيين يا انتخاب تکميل کرده باشند.

ماده چهل و هفتم: رئيس و اعضای حکومت، قضاوت، صاحب منصبان و افراد اردو، مأمورين و ديگر کارکنان اداري نمی‌توانند در هنگام تصدی وظیفه به عضويت شورا تعيين يا انتخاب شوند.

ماده چهل و هشتم: هيچ کس نمی‌تواند در يك وقت عضو هر دو جرگه باشد.

ماده چهل و نهم: با رعايت احکام اين قانون اساسي انتخابات مطابق به احکام قانون صورت مي‌پذيرد. پيشنهاد تعديل قانون انتخابات در دو سال اخير دوره تقنينيه ولسی جرگه در فهرست کار هيچ يك از جرگه داخل شده نمی‌تواند.

ماده پنجاهم: وثايق عضويت در هر جرگه توسط خود جرگه تدقيق مي‌گردد.

طرز تدقيق وثايق در اصول وظيف داخل هر جرگه تعيين مي‌شود.

ماده پنجاه و یکم: هیچ عضو شورا به علت رأی یا نظریه‌ای که هنگام اجرای وظیفه در داخل شورا یا خارج از آن ابراز می‌دارد مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

هر گاه یک عضو شورا به جرمی متهم شود مأمور مسؤول از موضوع به جرگه‌ای که متهم عضو آن است اطلاع می‌دهد و بعد از آنکه جرگه مذکور به اکثریت دو ثلث اعضا اجازه بدهد متهم تحت تعقیب عدلی قرار می‌گیرد. جرگه می‌تواند اجازه خود را به اکثریت دو ثلث اعضا مسترد نماید.

در مورد جرایم مشهود مأمور مسؤول می‌تواند متهم را بدون اجازه جرگه‌ای که او عضو آن می‌باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید. هر گاه تعقیب عدلی قانوناً "توقیف را ایجاب کند مأمور مسؤول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع جرگه مربوط برساند و در صورتی که جرگه مذکور اجازه بدهد متهم توقیف شده می‌تواند در صورتی که اتهام در هنگام تعطیل جرگه صورت بگیرد اجازه توقیف از هیأت اداری جرگه حاصل می‌گردد. فیصله هیأت به نخستین جلسه آینده جرگه جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

ماده پنجاه و دوم: اعضای شورا نمی‌توانند به شغل دیگری اشتغال ورزند.

این حکم شامی زراعت و دیگری مشاغل آزاد نمی‌باشد.

ماده پنجاه و سوم: برای اعضای شورا معاش مناسب مطابق به احکام قانون تعیین می‌گردد.

ماده پنجاه و چهارم: هر عضو شورا حق دارد در جرگه مربوط خود در موضوع مورد مباحثه نظریه خود را مطابق به اصول وظایف داخلی اظهار کند.

ماده پنجاه و پنجم: هر دو جرگه در وقت واحد به صورت جداگانه اجلاس می‌کنند. مشرانو جرگه می‌تواند برای مطالعه طرح بودجه دولت در مدت تعطیل ولسی جرگه جلسه فوق العاده خود را دایر کند.

در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف پادشاه افتتاح می‌گردد جلسه مشترک هر دو جرگه دایر می‌شود.

ماده پنجاه و ششم: حکومت می‌تواند در جلسات هر یک از دو جرگه اشتراک ورزد. هر جرگه می‌تواند حضور رئیس یا اعضای حکومت را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده پنجاه و هفتم: مباحثه جلسات در هر دو جرگه علنی می‌باشد. مگر اینک رئیس حکومت، رئیس جرگه یا اقلاً " ده نفر از اعضا سری بودن آن را در خواست نماید و جرگه این در خواست را بپذیرد. جرگه می‌تواند با اکثریت دو ثلث اعضا مباحثه‌ای را که سری صورت گرفته دو باره علنی بسازد. جریان مباحثه هر دو جرگه ثبت می‌گردد.

هیچ کس نمی‌تواند عنفاً به مقر شورا داخل شود، متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات می‌شوند.

ماده پنجاه و هشتم: جز در موردی که حکم آن صریحاً " در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم هر جرگه با اکثریت اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

ماده پنجاه و نهم: هر جرگه در هر سال یک اجلاس عادی دایر می‌کند که به تاریخ بیست و دوم میزان آغاز می‌گردد و تعداد اجلاس سالان توسط قانون تزئید شده می‌تواند. در این صورت تاریخ آغاز اجلاس و مدت آن توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مدت کار هر جرگه در هر سال هفت ماه است در صورت ایجاب کار هر جرگه می‌تواند این مدت را تمدید نماید در هنگام تعطیل، به امر پادشاه، در خواست حکومت یا رئیس یکی از دو جرگه یا یک خمس از اعضای آن اجلاس فوق العاده شورا دایر می‌شود.

جلسه فوق العاده توسط فرمان پادشاهی که بعد از مشوره با رؤسای دو جرگه صدور می‌یابد ختم می‌گردد.

ماده شصتم: رئیس مشرانو جرگه از بین اعضای این از طرف پادشاه تعیین می‌شود.

ولسی جرگه از بین اعضای خود یک نفر نایب اوّل رئیس، یک نفر نایب دوم رئیس، یک نفر منشی و یک نفر نایب منشی انتخاب می‌کند.

اشخاص فوق هیأت اداری جرگه را تشکیل می‌دهند.

هیأت اداری ولسی جرگه در آغاز دوره تقنینیه انتخاب می‌شود. نایبان رئیس، منشی و نایب منشی مشرانو جرگه در آغاز اجلاس سالانه برای مدت یک سال انتخاب می‌گردند.

رئیس هر جرگه مباحثه جرگه مذکور را اداره می‌نماید و برای برقراری نظم و امنیت در مقرر جرگه تدابیر لازم اتخاذ می‌کند، سایر وظایف رئیس در اصول وظایف داخلی تعیین می‌گردد.

در غیاب رئیس نایب اوّل و در غیاب نایب اوّل نایب دوم وظیفه رئیس را اجرا می‌کند.

منشی هر جرگه مباحثات آن را ثبت می‌کند و از امور دارالانشای جرگه سرپرستی می‌نماید. در غیاب منشی نایب منشی وظیفه او را اجرا می‌کند.

ماده شصت و یکم: هر جرگه برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث بر طبق احکام اصول وظایف داخلی، انجمنهای تعیین می‌نماید

ماده شصت و دوم: هر جرگه اصول وظایف داخلی خود را وضع می‌نماید.

ماده شصت و سوم: شورا می‌تواند به امر پادشاه منحل شود.

انحلال شورا در حالت مندرج ماده یکصد و بیست یکم حتمی است.

انحلال شورا شامل اعضای غیر انتخابی مشرانو جرگه نیز می‌باشد.

ماده شصت و چهارم: شورا برای تنظیم امور حیاتی افغانستان مطابق به احکام این قانون اساسی، قوانین وضع می‌کند. هیچ قانون نمی‌تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزشهای مندرج این قانون اساسی باشد.

تصدیق معاهدات بین الدول، فرستادن قطعات اردوی افغانستان به خارج، اعطای امتیازات دارای اهمیت در اقتصاد ملی به شمول انحصار اجازه نشر پول و اخذ قرضه از صلاحیت شورا می‌باشند.

امتیازاتی که اعطای آن از صلاحیت شورا می‌باشد توسط قانون تعیین می‌گردد.

ماده شصت و پنجم: حکومت نزد ولسی جرگه مسؤول می‌باشد.

ماده شصت و ششم: اعضای ولسی جرگه می‌توانند از حکومت استیضاح نمایند مباحثه در مورد توضیحی که از طرف حکومت داده می‌شود به تصمیم جرگه منوط می‌باشد.

ماده شصت و هفتم: اعضای شورا می‌توانند از صدر اعظم یا وزرا در موضوعات معین سؤال بنمایند اشخاصی که از آنها سؤال به عمل آمده مکلفند جواب شفوی یا تحریری بدهند. این جواب مورد مباحثه قرار نمی‌گیرد.

ماده شصت و هشتم: ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث از اعضای خود جهت تحقیق و مطالعه اعمال حکومت و اجرا آن اداره، انجمن تعیین نماید.

ترکیب و طرز العمل انجمن در اصول ووظایف داخلی تثبیت می‌گردد.

ماده شصت و نهم: به استثنای حالاتی که برای آن طرز عمل خاصی در این قانون اساسی تصریح گردیده قانون عبارت است از مصوبه موافق هر دو جرگه که به توشیح پادشاه رسیده باشد در ساحه‌ای که چنین مصوبه موجود نباشد قانون عبارت است از احکم فقه حنفی شریعت اسلام.

ماده هفتم: پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا و در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه صورت گرفته می‌تواند.

ماده هفتم و یکم: پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا ستره محکمه به هر یک از دو جرگه تقدیم شده می‌تواند. پیشنهاد وضع قانون در مورد بودجه امور مالی تنها از طرف حکومت صورت می‌گیرد.

ماده هفتاد و دوم: هر گاه پیشنهاد وضع قانون از طرف اعضای یکی از دو جرگه صورت بگیرد بعد از تأیید ده نفر از اعضای جرگه‌ای که پیشنهاد به آن ارائه شده در فهرست کار داخل می‌گردد.

هر گاه پیشنهاد وضع قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیض در عایدات دولت باشد به شرطی در فهرست کار داخل می‌شود که در متن پیشنهاد مدرک جبران پیش بینی شده باشد این حکم به پیشنهاد وضع قانون از طرف ستره محکمه تطبیق نمی‌شود.

ماده هفتاد و سوم: وقتی پیشنهاد وضع قانون در فهرست کار یکی از دو جرگه داخل گردید، نخست به انجمن مربوط محول می‌گردد و بعد از آنکه انجمن نظر خود را در باره آن ابراز کرد طرح قانون با نظریه انجمن در جرگه قرائت می‌شود، بحث روی آن صورت می‌گیرد، بعداً" در مورد هر ماده رأی گرفته می‌شود و سپس طرح بار دوم قرائت شده در باره رد یا تصویب آن به صورت یک کل رأی گرفته می‌شود.

ماده هفتاد و چهارم: هر گاه تصویب یک جرگه از طرف جرگه دیگر رد شود برای حل اختلاف هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو جرگه مطابق به احکام قانون دایر می‌گردد. فیصله هیأت بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده می‌شود. در صورتی که هیأت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند تصویب رد شده به حساب می‌رود. هر گاه تصویب از طرف ولسی جرگه به عمل آمده باشد دوره تقنینیه جدید ولسی جرگه می‌تواند آن را به اکثریت آرای اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده می‌شود.

هر گاه اختلاف دو جرگه در مورد طرح قوانین مالی باشد در صورتی که هیأت مختلط به حلّ این موفق نشود، ولسی جرگه می‌تواند در اجلاس ما عبد طرح مذکور را با اکثریت آرای اعضا تصویب نماید، طرح بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه قانونی شمرده می‌شود.

ماده هفتاد و پنجم: بودجه دولت از طریق مشرانو جرگه و توأم با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می‌شود. رئیس ولسی جرگه بودجه و نظریات مشرانو جرگه را به انجمن مربوط تفویض می‌کند بعد بودجه با نظریات انجمن مربوط در ولسی جرگه مطالعه می‌شود و در باره آن تصمیم اتخاذ

ماده هفتاد و ششم: هر گاه مشرانو جرگه فیصله خود را در مورد مصوبه ولسی جرگه در خلال مدت شش ماه از تاریخ وصول آن صادر نکند مصوبه مذکور قبول شده به شمار می‌رود. در سنجش این مدت دوره تعطیل به حساب گرفته می‌شود.

ماده هفتاد و هفتم: در هنگام تعطیل یا انحلال شورا حکومت می‌تواند در ساحه مذکور فقره اول ماده شصت و چهارم برای تنظیم امور عاجل فرامین تقنینی ترتیب کند. این فرامین بعد از توشیح پادشاه حکم قانون را جایز می‌شود. فرامین تقنینی باید در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه به شورا تقدیم گردد و در صورتی که از طرف شورا رد شود از اعتبار ساقط می‌گردد.

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۲

فصل پنجم: لوی جرگه

ماده هفتاد و هشتم: لوی جرگه مرکب است از اعضای شورا و رؤسای جرگه‌های ولایات. در حالت انحلال شورا اعضای آن حیثیت خود را به صفت اعضای لویه جرگه تا دایر شدن شورای جدید حفظ می‌کنند.

ماده هفتاد و نهم: با رعایت احکام مواد نوزدهم، بیست و یکم و بیست و دوم لوی جرگه توسط فرمان پادشاهی دایر می‌شود.

ماده هشتاد: در هنگام دایر بودن لوی جرگه حکم ماده پنجاه و یکم در مورد اعضای این تطبیق می‌گردد

ماده هشتاد و یکم: مباحثه لوی جرگه علنی می‌باشد مگر اینکه حکومت یا بیست نفر از اعضا، سری بودن آن را در خواست نمایند و لوی جرگه این درخواست بپذیرد .

ماده هشتاد و دوم: رئیس لوی جرگه و در غیاب او رئیس مشرانو جرگه از جلسات لوی جرگه ریاست می‌کند. لوی جرگه در اولی جلسه یک نفر را از بین اعضای خود به حیث منشی انتخاب می‌کند.

ماده هشتاد و سوم: جز در موردی که حکم آن صریحا در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم لوی جرگه با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد. با رعایت احکام این قانون اساسی طرز العمل لوی جرگه توسط قانون تنظیم می‌شود.

ماده هشتاد و چهارم: لوی جرگه دارای صلاحیتهایی می‌باشد که در این قانون اساسی تعیین گردید است.

فصل ششم: حکومت

ماده هشتاد و پنجم: حکومت افغانستان متشکل است از صدر اعظم، وزرا، صدر اعظم رئیس و وزرای اعضای حکومت می باشند.

تعداد وزرا و وظایفشان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هشتاد و ششم: هر شخصی که بر طبق احکام این قانون اساسی اهلیت انتخاب شدن را به عضویت ولسی جرگه دارا باشد می تواند به حیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود. رئیس می تواند به حیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود. رئیس حکومت باید از افغان متولد شده باشد. رئیس و اعضای حکومت می توانند از اعضای شورا یا خارج از آن تعیین شوند، هر عضو که به حیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود عضویت خود را در شورا از دست می دهد.

ماده هشتاد و هفتم: صدر اعظم و وزرا نمی توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده هشتاد و هشتم: برای رئیس و اعضای حکومت معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد.

ماده هشتاد و نهم: حکومت توسط شخصی که از طرف پادشاه به حیث صدر اعظم موظف شده تشکیل می گردد. اعضا و خط مشی حکومت توسط صدر اعظم به ولسی جرگه معرفی می شود. و جرگه پس از مباحثه راجع به اعتماد بر حکومت تصمیم می گیرد. در صورت صدور رأی اعتماد فرمان پادشاهی راجع به تعیین رئیس و اعضای حکومت دایر می گردد.

سپس صدر اعظم خط مشی حکومت را به مشرانو جرگه معرفی می نماید